

## کاربرد واژه «آیه» در روایات شیعه با توجه به صحیح هاشم بن سالم

کریم پارچه باف دولتی\*

فاطمه قندالی\*\*

### چکیده

واژه «آیه»، یکی از تقسیم‌بندی‌های قرآنی مستند به خود قرآن است که در متن کلام الهی نیز به کار رفته است. این واژه، معانی و استعمالات مختلفی دارد که در روایاتی از معصومان علیهم‌السلام، برخی از این کاربردها ملاحظه می‌شود. این مقاله درصدد واکاوی معانی این واژه و کاربردهای آن در روایات شیعه است؛ از جمله، حدیث هاشم بن سالم که در ظاهر، بر مشتمل بودن قرآن کریم بر هفده هزار آیه دلالت دارد. اختلاف میان آن رقم و تعداد آیات قرآن، دانشوران علوم قرآن و حدیث را به تکاپوی رفع مشکل حدیث انداخته و راه‌حل‌هایی چون تأویل حدیث و حمل آن بروحی بیانی، وحی غیر قرآنی و نسخ تلاوت را پیموده‌اند. در این مقاله نشان داده شده است که به چنین توجیهاتی نیاز نیست و یکی از کاربردهای این واژه در روایات، بخشی از یک آیه کامل است که به طور تقریبی می‌توان آن را معادل «عبارت» معنا کرد. کلیدواژه‌ها: آیه، عد الای، روایات شیعه، عبارات قرآنی، صحیح هاشم بن سالم.

### ۱. مقدمه

«آیه» کوتاه‌ترین تقسیم قرآنی مستند به وحی الهی است که تعدادی از حروف و کلمات قرآن را شامل می‌شود و هر سوره، از جمعی از آنها تشکیل می‌یابد. حدود آیات توقیفی بوده و

\* استادیار دانشگاه مذاهب اسلامی.

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

با توجه به وقف رسول خدا ﷺ مشخص می شده است.<sup>۱</sup> از این رو، در عدد آیات قرآن تقریباً اتفاق نظر وجود دارد و اختلاف جزئی میان آنها، به این امر بازمی گردد که ممکن است رسول اکرم ﷺ دو آیه را متصل به هم قرائت نموده یا در میان آیه ای وقف کرده اند و شنونده تصور نموده که مرز آیه، صورت دیگری دارد،<sup>۲</sup> ولی به هر حال، در این که تعداد آیات قرآن کریم حداکثر ۶۲۳۶ آیه است، تردیدی وجود ندارد.

در روایات مختلفی از واژه «آیه» استفاده شده است که از آن جمله حدیث هشام بن سالم است. این حدیث، یکی از احادیث به ظاهر مشکل در زمینه تعداد آیات قرآن کریم بوده و ظاهر آن دلالت دارد که قرآن کریم مشتمل بر هفده هزار آیه است. تفاوت فاحش میان این رقم و اعداد بیان شده توسط عددشناسان آیات قرآنی موجب گردیده است که این حدیث، از احادیث مشکل به شمار آید. برای حل مشکل حدیث، از سوی صاحب نظران راه حل های مختلفی ارائه شده است. از جمله این راه حل ها، تأویل حدیث و حمل آن بروحی بیانی، وحی غیرقرآنی و نسخ تلاوت است؛<sup>۳</sup> به عنوان مثال، آقای احسانی فرلنگرودی در مقاله «صحیح هاشم و شمار آیات قرآن» برای حل مشکل حدیث، راه تأویل را در پیش می گیرد و از میان تأویلات مختلف، حمل بر «وحی بیانی» را می پسندد و می نویسد:

مناسب ترین شیوه در حل مشکل حدیث، حمل بر «وحی بیانی» است. حمل بر معنای جامع وحی قرآنی و وحی بیانی است؛ بدین معنا که مقصود از «القرآن» در حدیث «إِنَّ الْقُرْآنَ إِذَا جَاءَ بِهِ جِبْرِئِيلُ إِلَى مُحَمَّدٍ، سَبْعَةَ عَشْرَ أَلْفَ آيَةٍ»، وحی قدسی شامل وحی قرآنی و وحی بیانی است... نتیجه این خواهد بود که شش هزار و دو بیست و اندی از آن، وحی مُعْجَزِ قرآنی باشد و بقیه اش وحی بیانی متکفل تبیین و تأویل همان وحی قرآنی.<sup>۴</sup>

اما سؤال این جا است که آیا جزراه تأویل یاد شده، راه دیگری در جهت حل مشکل حدیث نیست؟ به عبارت دیگر، آیا تصدیق روایت مذکور با حفظ مفاد ظاهر آن امکان پذیر نیست؟

برای بررسی موضوع، نخست به معنای لغوی و اصطلاحی «آیه» و شیوه های شمارش

۱. البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۶۴؛ الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۸۶.

۲. البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۵۰؛ الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۳۱.

۳. «صحیح هاشم و شمار آیات قرآن».

۴. همان جا.

آیات قرآنی پرداخته شده، سپس کاربرد واژه «آیه» در روایات شیعه، از جمله صحیححه هشام بن سالم، بررسی شده است. آن گاه به طور نمونه، عبارات قرآنی در بخش هایی از قرآن کریم شمارش شده و آمار آن ارائه گردیده است.

## ۲. معنای لغوی «آیه»

«آیه» در لغت از «اوی» یا «ایی» گرفته شده، جمع آن «آیات» یا «آی» بوده و به معانی مختلفی آمده است. اکثر لغویان به «علامت» به عنوان یکی از معانی آیه اشاره کرده‌اند.<sup>۵</sup> صاحبان الصحاح، لسان العرب، القاموس المحيط و تاج العروس به این معنا، معنای «شاخص» را نیز افزوده‌اند.<sup>۶</sup> راغب اصفهانی، ضمن معنا کردن «آیه» به نشانه و علامت آشکار، «امارت» و «بنای مرتفع» را نیز جزو معانی این کلمه برشمرده و می‌نویسد:

به ساختمان بلند نیز همانند آیه «أَتَّبِعُونَ بِكُلِّ رِيحٍ آيَةً تَعْبَثُونَ»<sup>۷</sup> آیه گفته شده است.<sup>۸</sup>

معنای دیگر، «عبرت» است. طریحی ضمن بیان معانی ای چون علامت و جماعت، در این خصوص می‌گوید:

در آیه «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِلِّسَّائِلِينَ»<sup>۹</sup> به معنای عبرت و به صورت جمع آمده است.<sup>۱۰</sup>

مصطفوی، بعد از بررسی معانی مختلف، معنای «آهنگ مقصود و وسیله ای برای وصول به آن» را برای این کلمه پسندیده، می‌نویسد:

این کلمه از ریشه «اوی، یاوی» به معنای توجه و پرداختن به مقامی که در آن استراحت کند است.... پس آیه چیزی است که مورد توجه و قصد به سوی مقصود باشد و وسیله ای برای رسیدن به آن. این معنا، در تمام کاربردهایش مورد

۵. کتاب العین، ج ۸، ص ۴۴۲.

۶. الصحاح، ج ۶، ص: ۲۲۷۵؛ لسان العرب، ج ۱۴، ص: ۶۰؛ القاموس المحيط، ج ۴، ص: ۳۲۲؛ تاج العروس، ج ۱۹، ص ۱۸۰.

۷. سوره شعراء، آیه ۱۲۸.

۸. مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۰۲.

۹. سوره یوسف، آیه ۷.

۱۰. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۳۹.

نظراست.<sup>۱۱</sup>

اگرچه در کتب لغت، برای این کلمه به معانی دیگری همچون جماعت،<sup>۱۲</sup> امر شگفت آور و معجزه<sup>۱۳</sup> نیز اشاره شده است، به نظر می‌رسد معنای اصلی آن همان علامت و نشانه باشد؛ به گونه‌ای که سایر معانی را می‌توان با آن مرتبط دانست.

### ۳. معنای اصطلاحی «آیه»

ابواسحاق جعبری، آیه را در قرآن چنین تعریف کرده است:

محدوده آیه، الفظاتی مرکب از جملاتی ولودر تقدیر است که دارای ابتدا و انتهای مشخص بوده و در یک سوره درج شده باشد.<sup>۱۴</sup>

زرکشی ضمن اشاره به تعریف جعبری، آن را با وصف توقیفی بودن تکمیل می‌کند.<sup>۱۵</sup> عالمان قرآنی نظیر زرکانی نیز به معنای اصطلاحی مشابه آن اشاره می‌کنند.<sup>۱۶</sup> برخی، تعبیری دارند که نشان می‌دهد اصطلاح آیه به همین معنا در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله به کار می‌رفته است؛ نظیر این که آن بزرگوار، قرآن را ده یا پنج آیه‌ای تعلیم می‌کردند<sup>۱۷</sup> و تا اصحاب، ده آیه را فراموشی گرفتند و به آن عمل نمی‌نمودند، آیاتی دیگر آموزش داده نمی‌شد.<sup>۱۸</sup> از این رو، در تعریف اصطلاحی «آیه» می‌توان گفت: آیه بخشی از سوره و متشکل از حروف و کلماتی است که از کلام قبل و بعد خود به نحوی جدا شده، حد آن به توقیف نبوی صلی الله علیه و آله و از سوی خدای متعال مشخص شده است.

### ۴. عدّ الآی

عدّ الآی یا شمارش آیات قرآن کریم، یکی از شاخه‌های علوم قرآن است که از دیرباز فصلی مجزا را، ولو مختصر نسبت به بسیاری از انواع دانش‌های قرآنی، به خود اختصاص

۱۱. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۱۸۷.

۱۲. معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۶۸.

۱۳. قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۴۶.

۱۴. حسن المدد فی فن العدد، ص ۱۸.

۱۵. البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۶۴.

۱۶. مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۳۱.

۱۷. بشیر الیسر، ص ۷۱.

۱۸. همان، ص ۷۴ - ۷۵.

می داده است.<sup>۱۹</sup> شیوه‌های مختلف عد الّی به سه منطقه حجاز، عراق و شام بازمی‌گردد.

#### ۴-۱. العَدّ الحجازی (شیوه شمارش حجازی)

این شیوه به سه دسته تقسیم می‌شود:

- ۴-۱-۱. العَدّ المکی: منسوب به مجاهد بن جبرمکی و عبدالله بن کثیرمکی است. تعداد آیات مطابق این شمارش ۶۲۱۹ یا ۶۲۲۰ آیه، بنا بر اختلاف در نقل‌ها، است.
- ۴-۱-۲. العَدّ المدنی الاول: منسوب به نقل اهل کوفه از اهل مدینه بوده و در باره انتساب آن اختلاف وجود دارد. برخی این شمارش را به شخص خاصی منسوب نکرده‌اند.<sup>۲۰</sup> در مقابل، عده‌ای دیگر چون سیوطی آن را منسوب به اسماعیل بن جعفر بن اَبی کثیر الأنصاری می‌دانند.<sup>۲۱</sup> تعداد آیات مطابق این شیوه ۶۲۱۷ آیه است.
- ۴-۱-۳. العَدّ المدنی الاخیر: به ابوجعفر یزید بن قَعقاع و دامادش شَیبَة بن نِصاح منسوب است. تعداد آیات بنا بر نقل ابوجعفر ۶۲۱۰ و بنا بر نقل شیبَة ۶۲۱۴ آیه است.<sup>۲۲</sup>

#### ۴-۲. العَدّ العراقی (شیوه شمارش عراقی)

این روش به دو دسته تقسیم می‌شود:

- ۴-۲-۱. العَدّ الکوفی: منسوب به ابوعبدالرحمن سُلمی و منقول از امام علی علیه السلام بوده و تعداد آیات، مطابق آن ۶۲۳۶ آیه است.
- ۴-۲-۲. العَدّ البصری: به عاصم جُحدری یا ایوب بن متوکل منسوب است. بنا بر این شیوه، تعداد آیات قرآن ۶۲۰۴ یا ۶۲۰۵ آیه است.<sup>۲۳</sup>

#### ۴-۳. العَدّ الشّامی (شیوه شمارش شامی)

این شیوه نیز شامل دو روش است:

- ۴-۳-۱. العَدّ الشّامی: منسوب به عبدالله بن عامر دمشقی و معادل ۶۲۲۶ آیه است.
- ۴-۳-۲. العَدّ الجمصی: به حمص یکی از سرزمین‌های شام منسوب بوده، از فرد

۱۹. به عنوان نمونه، رک: فنون الافنان فی عجائب علوم القرآن، ص ۹۶؛ البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۴۷؛ الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۳۲.

۲۰. همان جا.

۲۱. الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۳۴.

۲۲. فنون الافنان فی عجائب علوم القرآن، ص ۹۶.

۲۳. همان جا.

خاصی نقل نشده است. تعداد آیات در این شیوه ۶۲۳۲ آیه است. همان گونه که ملاحظه می شود، تعداد آیات قرآن در شیوه های مختلف بین ۶۲۰۴ تا ۶۲۳۶ متغیر است؛ اما علت اختلاف در تعداد آیات مطابق شیوه های گوناگون چیست؟ بسیاری از دانشمندان علوم قرآنی، تصریح به توقیفی بودن شمارش آیات قرآن دارند.<sup>۲۴</sup> جعبری در منظومه «عقد الدرر فی عدد آی السور» گفته است:

وقف کردن رسول اکرم صلی الله علیه و آله کلمه پایانی آیات قرآن را به ما نشان می دهد و در این موضوع، جای قیاس وجود ندارد و باید به نقل اتکا و اقتدا نمود.<sup>۲۵</sup>

او در جایی دیگر، وقف های متفاوت آن حضرت را - که گاه برای تعلیم انتهای آیه و گاه برای اتمام معنا صورت می گرفت - دلیل اختلاف معرفی می کند.<sup>۲۶</sup> عبدالفتاح قاضی، با آوردن مثال نقض، مساله را چنین بیان می دارد:

اگر شمارش آیات توقیفی نبود، علی القاعده باید کلمات مشابه در آیات، انتهای آیه شمرده می شد؛ در حالی که چنین نیست؛ مثل اختلاف در شمارش «ینهی»<sup>۲۷</sup> و «طغی»<sup>۲۸</sup> و اختلاف نداشتن در شمارش «الاشقی»<sup>۲۹</sup> به عنوان انتهای آیه.<sup>۳۰</sup>

## ۵. کاربرد واژه «آیه» در روایات

با بررسی واژه «آیه» به عنوان نمونه در کتب اربعه شیعه - که از قدیمی ترین منابع معتبر حدیثی محسوب می شوند - مشخص می شود که این کلمه در روایات معصومان علیهم السلام و سخن برخی از راویان حدیث، به معانی مختلفی استعمال شده است که هر چند بین این دو نوع کاربرد، تفاوت در جایگاه وجود دارد، ولی از لحاظ معنا یک سان است. معانی ای که این واژه در روایات دارد و نمونه آنها به قرار زیر است:

۲۴. به عنوان نمونه رک: البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۵۰.
۲۵. عقد الدرر فی عدد آی السور در «مجموعه مهمه فی التجوید والقراءات والرسم وعد الآی»، ص ۴۳. اصل بیت، چنین است: «وَعَرَفْنَا وَقْفَ الرِّسُولِ فَوَاصِلًا لِآيٍ فَلَا تَقْتَسَسُ وَبِالنَّقْلِ فَاقْتَدِ».
۲۶. حسن المدد فی فن العدد، ص ۳۲ - ۳۳.
۲۷. سوره علق، آیه ۹.
۲۸. سوره نازعات، آیه ۳۷.
۲۹. سوره لیل، آیه ۱۵.
۳۰. بشیر الیسر، ص ۷۴ - ۷۵.

## ۵-۱. کاربرد به معنای لغوی (نشانه و علامت)

در تعدادی از روایات، واژه «آیه» به معنای لغوی نشانه و علامت، به کار رفته است؛ از جمله دوروایت زیر:  
 امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

إِنَّ آيَةَ الْمُؤْمِنِ إِذَا حَصَرَهُ الْمَوْتُ، أَنْ يَبْيَضَّ وَجْهُهُ أَشَدَّ مِنْ بَيَاضِ لَوْنِهِ، وَيَرْسَحَ جَبِينُهُ، وَ يَسِيلَ مِنْ عَيْنَيْهِ كَهَيْئَةِ الدَّمُوعِ؛ فَيَكُونُ ذَلِكَ آيَةَ خُرُوجِ رُوحِهِ...<sup>۳۱</sup>

در این حدیث شریف، حضرت امام محمد باقر علیه السلام نشانه‌ها و شاخصه‌های مؤمن و کافر را، از جمله نشانه‌ها در هنگام مرگ، مقایسه فرموده است.

روایت دیگر از امام جعفر صادق علیه السلام است. سلیمان دیلمی از آن حضرت در باره چپستی زلزله پرسید. ایشان آن را «آیه» ای دانستند. سپس در پاسخ به سبب آن فرمود:

إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - وَكَلَّ بِعُزُوقِ الْأَرْضِ مَلَكًا. فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُزَلِّزَ أَرْضًا أَوْحَى إِلَى ذَلِكَ الْمَلِكِ أَنْ حَرِّكَ عِزْقَ كَذَا وَكَذَا. قَالَ: فَيَحْرِكُ ذَلِكَ الْمَلِكُ عِزْقَ تِلْكَ الْأَرْضِ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَتَتَحَرَّكَ بِأَهْلِهَا...<sup>۳۲</sup>

مشخص است که در این روایت، امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال از زلزله، از لفظ «آیه» استفاده فرموده و آن را نشانه‌ای از نشانه‌های الهی برشمرده است.<sup>۳۳</sup>

## ۵-۲. کاربرد به معنای آیه کامل از قرآن:

در بسیاری از روایات، «آیه» به معنای یک آیه کامل از قرآن به کار رفته است؛ از جمله روایت زیر:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ قَرَأَ أَرْبَعَ آيَاتٍ مِنْ أَوَّلِ الْبَقَرَةِ وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ وَآيَتَيْنِ بَعْدَهَا وَثَلَاثَ آيَاتٍ مِنْ آخِرِهَا، لَمْ يَرِ فِي نَفْسِهِ وَمَالِهِ شَيْئًا يُكْرَهُهُ، وَلَا يَقْرُبُهُ شَيْطَانٌ، وَلَا يَنْسَى الْقُرْآنَ.<sup>۳۴</sup>

با توجه به قرآینی که در این روایت وجود دارد، شامل ذکر نام سور و تعداد آیاتی از قرآن کریم، مشخص می‌گردد که مقصود از لفظ آیه، همان اصطلاح آیه قرآن است.

۳۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۳۵.

۳۲. همان، ج ۱، ص ۵۴۳؛ نیز رک: همان، ج ۲، ص ۱۰۱؛ تهذیب الأحكام، ج ۳، ص ۱۴۶.

۳۳. نیز رک: من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۰۱؛ تهذیب الأحكام، ج ۳، ص ۱۴۶.

۳۴. الکافی، ج ۶، ص ۴۴۶.

روایتی دیگر: شخصی نزد حضرت امام زین العابدین علیه السلام شرف یاب شد و گفت: شما حج را بر جهاد برتری داده‌اید؛ در حالی که خدا فرموده است:

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ هُمْ الْجَنَّةَ»<sup>۳۵</sup> إِلَى آخِرِ الْآيَةِ (تا انتهای آیه)!

آن گاه حضرت سجاد علیه السلام فرمود:

فَأَقْرَأَ مَا بَعْدَهَا. فَقَالَ: «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ» إِلَى أَنْ بَلَغَ آخِرَ الْآيَةِ. فَقَالَ علیه السلام: إِذَا رَأَيْتَ هَؤُلَاءِ فَالْجِهَادُ مَعَهُمْ يَوْمَئِذٍ أَفْضَلُ مِنَ الْحَجِّ.<sup>۳۶</sup>

در این روایت، گرچه به بخشی از آیه اشاره شده است، ولی با عبارات «إِلَى آخِرِ الْآيَةِ» و «إِلَى أَنْ بَلَغَ آخِرَ الْآيَةِ» مشخص می‌شود که کل آیه مورد نظر بوده است. چنین تعبیری نشان می‌دهد که گوینده بخشی را در نظر داشته که دارای حدودی مشخص و آغاز و پایانی معین است. به عبارت دیگر، سؤال کننده، آیه ۱۱۱ سوره مبارکه توبه را شاهد می‌آورد؛ اما راوی در روایت خود عباراتی از آیه را آورده و با تعبیر «إِلَى آخِرِ الْآيَةِ» تأکید می‌کند که آن فرد، کل آیه را قرائت نموده است. وی در بازگویی سخن امام نیز همین شیوه را در پیش گرفته است و سه کلمه ابتدایی آیه قرائت شده توسط امام علیه السلام را می‌آورد و با گفتن عبارت «إِلَى أَنْ بَلَغَ آخِرَ الْآيَةِ» نشان می‌دهد که آن حضرت، کل آیه را قرائت فرموده است.<sup>۳۷</sup>

### ۵-۳. کاربرد به معنای بخشی از آیه کامل قرآنی:

در برخی از روایات، کلمه «آیه» بر بخشی از یک آیه کامل اطلاق شده و شاید به طور تقریبی بتوان آن را معادل عبارت یا جمله معنا کرد. از این نوع کاربرد، نمونه‌های زیادی در کتب روایی یافت می‌شود؛ از جمله روایات زیر:

عَلِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ جَمِيلٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مَا مَنَعَ مَيْمَمٍ - رَحِمَهُ اللَّهُ - مِنَ التَّقِيَّةِ. فَوَاللَّهِ! لَقَدْ عَلِمَ أَنَّ هَذِهِ الْآيَةَ<sup>۳۸</sup> نَزَلَتْ فِي عَمَّارٍ وَأَصْحَابِهِ: «إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ».<sup>۳۹</sup>

۳۵. سوره توبه، آیه ۱۱۱.

۳۶. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۱۹.

۳۷. نیز در: تهذیب الأحكام، ج ۲، ص ۱۷۵؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۹۱.

۳۸. سوره نحل، آیه ۱۰۶.

۳۹. الکافی، ج ۲، ص ۲۲۰.



آیه شریفه در قرآن چنین است:

«مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ».

مقایسه آیه کریمه با متن روایت روشن می‌کند که آن چه با لفظ آیه مورد اشاره قرار گرفته است، در واقع بخشی از آیه کامل است و نه کل آیه. توجه به مفاد آیه شریفه، این مسأله را روشن می‌سازد؛ زیرا بخش دوم آیه با مضمون غضب الهی و عذاب بزرگ نمی‌تواند در وصف صحابی گرانقدر رسول خدا ﷺ، عمار یاسرو یارانش باشد؛ در حالی که طبق فرموده امام صادق علیه السلام، «آیه» در باره ایشان نازل شده است. برای جمع این دو مسأله، چاره‌ای نیست جز آن که بپذیریم در این جا، واژه مورد بحث در معنایی غیر از معنای آیه کامل قرآن استعمال شده است:

الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ حَكَمَ فِي الدِّهْمَيْنِ بِحُكْمِ جَوْرِ ثُمَّ أَجْبَرَ عَلَيْهِ كَانَ مِنْ أَهْلِ هَذِهِ الْآيَةِ: «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ». <sup>۴۰</sup> قُلْتُ: فَكَيْفَ يُجْبَرُ عَلَيْهِ؟ قَالَ: يَكُونُ لَهُ سَوْطٌ وَسِجْنٌ، فَيَحْكُمُ عَلَيْهِ. فَإِنْ رَضِيَ بِحُكْمَيْتِهِ، وَإِلَّا ضَرَبَهُ بِسَوْطِهِ وَحَبَسَهُ فِي سِجْنِهِ. <sup>۴۱</sup>

در این روایت - که بیان مصداقی از «قضاوت برخلاف آن چه خدا نازل فرموده» است - تنها بر عبارت پایانی آیه ۴۴ سوره مبارکه مائده لفظ «آیه» اطلاق شده است:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحَجَّالِ، عَنِ ثَعْلَبَةَ، عَنِ زُرَّارَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ وَأَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليهما السلام يَقُولَانِ: إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - فَوَّضَ إِلَى نَبِيِّهِ صلی الله علیه و آله أَمْرَ خَلْقِهِ لِيَنْظُرَ كَيْفَ طَاعَتْهُمْ. ثُمَّ تَلَاهُ هَذِهِ الْآيَةَ: «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا». <sup>۴۲</sup>

در این روایت، زراره از عبارت «ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا» - که بخشی از آیه ۷ سوره حشر است - با عنوان «الآیه» یاد کرده است:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ، عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْوَصِيَّةِ لِلْوَارِثِ، فَقَالَ: نَحْوُ قَالَ: ثُمَّ

۴۰. سوره مائده، آیه ۴۴.

۴۱. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۲۲۱.

۴۲. الکافی، ج ۱، ص ۲۶۶.

تَلَا هَذِهِ آيَةَ: «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْأَقْرَبِينَ وَالْأَقْرَبِينَ»؛<sup>۴۳</sup>

محمد بن مسلم نقل کرده است که از ابوجعفر، امام باقر علیه السلام، در باره وصیت کردن برای وارثان سؤال کردم. ایشان فرمود: جایز است. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْأَقْرَبِينَ وَالْأَقْرَبِينَ».

در این روایت، محمد بن مسلم بخش «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْأَقْرَبِينَ وَالْأَقْرَبِينَ» از آیه ۱۸۰ سوره بقره را «الآیه» دانسته است.

در روایات متعدد دیگری نیز همین کاربرد برای لفظ «آیه» ملاحظه می شود که برای اختصار، به متن آنها اشاره نشد.<sup>۴۴</sup>

#### ۴ - ۵. کاربرد به معنای مجموعه ای از آیات یک سوره:

در برخی از روایات، کلمه «آیه» به عباراتی از قرآن کریم - که ناگزیر متعلق به تک آیه نیستند - اطلاق شده است؛ از جمله روایات زیر:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ، عَنْ حَنَانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: لَا يُبَالِي النَّاصِبُ صَلَّى أُمَّ رُزَى، وَهَذِهِ آيَةٌ نَزَلَتْ فِيهِمْ: «عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصَلِّي نَارًا حَامِيَةً».<sup>۴۵</sup>

در این روایت، آیات سوم و چهارم سوره مبارکه غاشیه، با واژه مفرد «آیه»، و نه تشبیه «آیتین»، مورد اشاره قرار گرفته است:

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ، عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ، عَنْ أَبِي حَمَزَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: نَزَلَ جَبْرَيْلُ علیه السلام بِهَذِهِ آيَةِ هَكَذَا إِنَّ الَّذِينَ... ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا. إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ثُمَّ قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فِي وَلايَةِ عَلِيٍّ فَأَمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا بِوَلايَةِ عَلِيٍّ فَإِنَّ اللَّهَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ.<sup>۴۶</sup>

در این روایت، امام علیه السلام آیات ۱۶۷ تا ۱۷۰ سوره مبارکه نساء را ضمن بیان افزوده های تفسیری «آیه» نامیده اند.

۴۳. همان، ج ۷، ص ۱۰.

۴۴. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۳؛ تهذيب الأحكام، ج ۵، ص ۳۳۴؛ ج ۷، ص ۲۹۷؛ الإستبصار فيما اختلف من

الأخبار، ج ۴، ص ۷۴.

۴۵. همان، ج ۸، ص ۱۶۰.

۴۶. همان، ج ۱، ص ۴۲۴.

الحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْمُعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ بَسْطَامِ بْنِ مَرْزُوقٍ، عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ حَسَّانَ، عَنِ الْهَنْبِيِّ بْنِ وَاقِدٍ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَبْدِيِّ، عَنِ سَعْدِ الْإِسْكَافِيِّ، عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: مَا بَالُ أَقْوَامٍ غَيَّرُوا سُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَعَدَلُوا عَنْ وَصِيهِ لَا يَتَخَوَّفُونَ أَنْ يَنْزَلَ بِهِمُ الْعَذَابُ؟! ثُمَّ تَلَاهُ هَذِهِ الْآيَةَ: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ جَهَنَّمَ». <sup>٤٧</sup> ثُمَّ قَالَ: نَحْنُ النِّعْمَةُ الَّتِي أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيَّ وَعِبَادِهِ، وَبِنَا يَفُوزُ مَنْ فَازَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. <sup>٤٨</sup>

اصبغ بن نباته در این روایت - که امیرالمؤمنین عليه السلام «دگرگون کردن سنت پیامبر صلى الله عليه وآله و روی گردانی از وصی او» را مصداقی از «تغییر نعمت خدا به ناسپاسی» برشمرده و از «درآمدن به سرای هلاکت» هشدار داده است - از عبارت قرائت شده آن حضرت - که آیه ۲۸ و بخشی از آیه ۲۹ سوره مبارکه ابراهیم است - با عنوان «الآیه» یاد کرده است.

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنِ أَبِي نَهْشَلٍ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، عَنِ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا مِنْ أَعْلَى عَلَيَّيْنِ، وَخَلَقَ قُلُوبَ شَيْعَتِنَا مِمَّا خَلَقْنَا، وَخَلَقَ أَبْدَانَهُمْ مِنْ دُونِ ذَلِكَ؛ فَقُلُوبُهُمْ تَهْوَى إِلَيْنَا، لِأَنَّهَا خُلِقَتْ مِمَّا خَلَقْنَا. ثُمَّ تَلَاهُ هَذِهِ الْآيَةَ: «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لِنِي عَلَيَّيْنِ. وَمَا أَدْرَاكُ مَا عَلَيُّونَ. كِتَابٌ مَرْقُومٌ. يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ». وَخَلَقَ عَدُوَّنَا مِنْ سِجِّينَ، وَخَلَقَ قُلُوبَ شَيْعَتِهِمْ مِمَّا خَلَقَهُمْ مِنْهُ. وَأَبْدَانَهُمْ مِنْ دُونِ ذَلِكَ، فَقُلُوبُهُمْ تَهْوَى إِلَيْهِمْ، لِأَنَّهَا خُلِقَتْ مِمَّا خَلَقُوا مِنْهُ. ثُمَّ تَلَاهُ هَذِهِ الْآيَةَ: «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لِنِي سِجِّينَ. وَمَا أَدْرَاكُ مَا سِجِّينٌ. كِتَابٌ مَرْقُومٌ». <sup>٤٩</sup>

در این روایت - که در خصوص خلقت دوستان و دشمنان، و اقبال و ادبار دلهای ایشان نسبت به اهل بیت عليهم السلام است، ابو حمزه ثمالی دو بار لفظ «الآیه» را به کار برده است، اما در هیچ یک مقصود آیه اصطلاحی نیست. این لفظ، در بار اول به چهار آیه متوالی (آیات ۱۸ - ۲۱ سوره مبارکه مطففین) و بار دوم به سه آیه متوالی (آیات ۷ - ۹ سوره مبارکه مطففین) - که با یک دیگر ارتباط معنایی دارند - اطلاق شده است.

## ۵ - ۵. کاربرد به معنای معجزه الهی

در تعدادی از روایات، از جمله روایت زیر، این واژه به معنای معجزه به کار رفته است:

۴۷. سوره ابراهیم، آیه ۲۸ و ۲۹.

۴۸. الکافی، ج ۱، ص ۲۱۷.

۴۹. همان، ج ۱، ص ۳۹۰.

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنِ ابْنِ مُحَمَّدِ بْنِ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ يَزِيدَ الْكُنَابِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام: أَكَانَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عليه السلام حِينَ تَكَلَّمَ فِي الْمَهْدِ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ زَمَانِهِ؟ فَقَالَ: كَانَ يَوْمَئِذٍ نَبِيًّا حُجَّةَ اللَّهِ غَيْرَ مُرْسَلٍ. أَمَا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِ حِينَ قَالَ: «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ أَنَا فِي الْكِتَابِ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا. وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا»؟<sup>٥٠</sup> قُلْتُ: فَكَانَ يَوْمَئِذٍ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى زَكَرِيَّا فِي تِلْكَ الْحَالِ، وَهُوَ فِي الْمَهْدِ؟ فَقَالَ عليه السلام: كَانَ عِيسَى فِي تِلْكَ الْحَالِ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لِمَرْيَمَ حِينَ تَكَلَّمَ فَعَبَّرَ عَنْهَا...<sup>٥١</sup>

با توجه به دسته بندی و نمونه های یاد شده، می توان جمع بندی کرد که مقصود از «آیه» در روایات، تنها معنای مرسوم آن، یعنی آیه کامل قرآن، نیست.

## ٦. صحیح هاشم بن سالم

به جهت محتوای صحیح هاشم بن سالم، کاربرد این واژه در متن روایت به بررسی دقیق تر نیاز دارد تا معلوم شود که دلالت این روایت بر چه موضوعی است.

### ٦-١. متن روایت

کلینی، با سندش چنین روایت می کند: (محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن علی بن الحکم، عن هشام بن سالم، عن ابی عبد الله عليه السلام، قال: إِنَّ الْقُرْآنَ الَّذِي جَاءَ بِهِ جَبْرِئِيلُ عليه السلام إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَبْعَةَ عَشْرَ آيَةٍ.

در نسخه های بدل کتاب *الکافی*، صورت های دیگر متن روایت چنین آمده است:

٦-١-١. إِنَّ الْقُرْآنَ الَّذِي جَاءَ بِهِ جَبْرِئِيلُ عليه السلام عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَبْعَةَ آيَاتٍ (کتاب الوافی).<sup>٥٢</sup>

٦-١-٢. إِنَّ الْقُرْآنَ الَّذِي جَاءَ بِهِ جَبْرِئِيلُ عليه السلام إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَبْعَةَ آيَاتٍ (نسخه های شماره ٢٧٩ کتابخانه جامع مسجد گوهرشاد مشهد و شماره ١٧٧ ب کتابخانه دانشکده الهیات تهران).

٦-١-٣. إِنَّ الْقُرْآنَ الَّذِي جَاءَ بِهِ جَبْرِئِيلُ عليه السلام عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَبْعَةَ عَشْرَ آيَةٍ (نسخه های شماره ٢٠٤٨٦ و ٢١٣٤٧ کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد).

٥٠. سوره مریم، آیه ٣١.

٥١. *الکافی*، ج ١، ص ٣٨٢.

٥٢. *الوافی*، ج ٩، ص ١٧٨١.

۶- ۱- ۴. إِنَّ الْقُرْآنَ الَّذِي جَاءَ بِهِ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ سَبْعَةَ عَشْرَ أَلْفَ آيَةٍ (شرح مازندرانی).<sup>۵۳</sup>

مهم‌ترین تفاوت معنا و مفهوم حدیث در پنج صورت یاد شده، در هفت یا هفده هزار آیه بودن قرآن است.

### ۶- ۲. بررسی سندی روایت

در سلسله سند حدیث، نام محمد بن یحیی، احمد بن محمد، علی بن الحکم و هشام بن سالم وجود دارد. نظر محققان دانش رجال در باره این افراد، به طور خلاصه چنین است:

۶- ۲- ۱. ابوجعفر محمد بن یحیی عطار قمی شیخ شیعیان در زمان خودش ثقه، عین<sup>۵۴</sup> و کثیر الحدیث<sup>۵۵</sup> بوده است.

۶- ۲- ۲. احمد بن محمد بن عیسی ثقه<sup>۵۶</sup> و از اصحاب امام رضا علیه السلام<sup>۵۷</sup> بوده است.

۶- ۲- ۳. علی بن حکم بن زبیر کوفی ثقه و جلیل القدر<sup>۵۸</sup> و از اصحاب امام جواد علیه السلام<sup>۵۹</sup> بوده است.

۶- ۲- ۴. هشام بن سالم جوالیقی ثقه ثقه<sup>۶۰</sup> و از اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام<sup>۶۱</sup> بوده است.

به این ترتیب، مشخص می‌شود حدیث از نظر سندی «صحیح» است؛ چرا که رجالیان با تعبیر مختلف، افراد سلسله سند را توثیق نموده‌اند.

### ۶- ۳. بررسی محتوای روایت

این روایت، بیان می‌دارد قرآنی که فرشته وحی الهی، جبرئیل امین علیه السلام بر قلب مبارک پیامبر اکرم ﷺ آورده است، هفت یا هفده هزار آیه است. اگر متن صحیح روایت «سبعة

۵۳. الکافی (دار الحدیث)، ج ۴، ص ۶۷۴-۶۷۵.

۵۴. رجال النجاشی، ص ۳۵۳.

۵۵. همان جا؛ رجال الطوسی، ص ۴۳۹.

۵۶. همان، ص ۳۵۱.

۵۷. الفهرست، ص ۶۰؛ رجال الطوسی، ص ۳۷۳ و ۳۸۳؛ رجال البرقی، ص ۵۹.

۵۸. الفهرست، ص ۲۶۳.

۵۹. معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۳۸۱.

۶۰. الفهرست، ص ۴۹۲.

۶۱. اختیار معرفة الرجال، ص ۲۸۳-۲۸۴.

آلاف آیه» باشد، همان گونه که میرزا ابوالحسن شعرانی دانسته است<sup>۶۲</sup> - مشکل اصلی دلالت روایت برطرف می شود؛ زیرا دلالت دارد که قرآن حدود هفت هزار آیه دارد و چون امام علیه السلام در مقام بیان عدد دقیق نبوده است، می توان هفت هزار را تقریب بالای اعداد بین ۶۲۰۴ تا ۶۲۳۶ - که تعداد آیات قرآن طبق شمارش های مختلف است - دانست. اما اگر متن صحیح «سبعة عشر الف آیه» باشد - چنان که مشهور نیز است - هفده هزار آیه بودن چگونه قابل توضیح است؟

باید گفت زمانی که در تعداد قابل توجهی از روایات، لفظ «آیه» بر «عبارت» دلالت می کند، در این روایت هم چنین کاربردی محتمل است. تنها باید بررسی کرد که اگر عبارات قرآنی شمارش شود، به حدود هفده هزار خواهد رسید یا خیر؟

## ۷. شمارش عبارات قرآن کریم

ملاک در شمارش جملات، ارکان اصلی جمله است. به عبارت دیگر، معیار تجزیه جملات، توجه به الفاظ جمله است؛ نه معنای جمله. با این تعریف، در جملات شرطیه با آن که شرط و جزا به لحاظ مفهومی یک دیگر را کامل می کنند، ولی دو جمله محسوب می شوند؛ چرا که هر یک به لحاظ ساختار لفظی (دارا بودن مبتدا و خبر در جمله اسمیه، و فعل و فاعل و مفعول به در جملات فعلیه) کامل هستند. این مسأله در مورد قسم و جواب آن نیز صدق می کند. با این تعریف، روشن می شود که به چه دلیل آن جا که مقول قول یک جمله است، با این وجود دو جمله محسوب نشده اند. به عبارت دیگر، مقول قول در واقع، مفعول به جمله و جزو ارکان اصلی جمله است. از این رو، مجموعاً یک جمله به حساب آمده اند. این مسأله عیناً در مورد نایب فاعل، آن گاه که یک جمله است، نیز صادق است. صفت و مضاف الیه نیز از آن جا که ملحق به اجزای اصلی جمله هستند، جمله مستقلی را تشکیل نخواهند داد. جملات حالیه و وصفیه نیز به جهت توضیح ذوالحال و موصوف، مستقل نیستند.

صفحاتی از مصحف شریف از اجزای مختلف و با طول آیات گوناگون انتخاب شده است. عبارات آنها طبق اصول پیش گفته، شمارش و نتیجه در جدول زیر منعکس شده است:

ردیف	صفحه	تعداد عبارات
------	------	--------------

۶۲. شرح الکافی (الأصول والروضه)، ج ۱۱، ص ۸۷.

۲۹	۲۷	۱
۲۷	۷۲	۲
۲۸	۱۴۸	۳
۳۱	۱۶۹	۴
۳۳	۲۲۹	۵
۲۵	۲۶۳	۶
۲۹	۲۹۰	۷
۳۹	۳۱۳	۸
۲۶	۳۲۲	۹
۳۰	۳۶۸	۱۰
۲۰	۴۲۸	۱۱
۲۴	۴۶۹	۱۲
۲۷	۵۲۲	۱۳
۱۸	۵۳۵	۱۴
۳۱	۵۶۲	۱۵
۳۲	۵۸۲	۱۶
۲۶	۵۸۶	۱۷
۱۹	۶۰۳	۱۸

برای تخمین تعداد عبارات در کل قرآن کریم، میانگین تعداد جملات صفحات فوق محاسبه شده و در تعداد صفحات مصحف ضرب می‌شود و نتیجه بالغ بر ۱۶۵۷۶ می‌شود. ملاحظه می‌شود که این عدد، به رقم ذکر شده در روایت منقول از هشام بن سالم، یعنی هفده هزار، نزدیک است و فرضیه این بررسی را تأیید می‌کند که مراد از «آیه» در روایت مورد بحث، «عبارت و جمله» است و نه آیه کامل و مصطلح و نیازی به برگرداندن آن به وحی بیانی وجود ندارد.

### نتیجه

۱. آیه در لغت دارای معانی مختلفی همچون علامت، شاخصه، بنای مرتفع، عبرت، جماعت و معجزه است.
۲. آیه در اصطلاح، بخشی از سوره و متشکل از حروف و کلماتی است که از کلام قبل و بعد خود جدا بوده و حد آن به توقیف شناخته می‌شود.
۳. این واژه در روایات، علاوه بر آیه کامل، کاربردهای مختلفی دارد؛ از جمله نشانه، عبارت قرآنی، مجموعه‌ای از آیات قرآن و معجزه. از این رو، مقصود از «آیه» در روایات تنها آن چه نیست که در عرف مرسوم است و جزء اصطلاح‌های علوم قرآنی است.
۴. صحیح هاشم بن سالم تنها روایت شیعه است که در آن، عددی برای تعداد آیات قرآن ذکر شده است. البته این عدد با تعداد آیات قرآن بنا بر نقل‌های مشهور متفاوت است.

۵. بررسی سندی روایت روشن می‌کند که حدیث به لحاظ سندی صحیح است.
۶. کاربرد آیه در روایات و شمارش عبارات قرآنی نشان‌گر این است که آیه در صحیح هاشم بر «عبارت» دلالت دارد. این کاربرد، هم مجوز اطلاق آیه بر عبارت قرآنی است و هم مهر تأییدی بر صحیح بودن روایت مورد بحث با حفظ مفاد ظاهر؛ بدون نیاز به تأویل.

### کتابنامه

- *الاتقان فی علوم القرآن*، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، بیروت: دارالکتاب العربی، دوم، ۱۴۲۱ق.
- *اختیار معرفة الرجال*، محمد بن حسن طوسی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه فردوسی، اول، ۱۴۰۹ق.
- *البرهان فی علوم القرآن*، محمد بن عبدالله زرکشی، بیروت: دارالمعرفة، اول، ۱۴۱۰ق.
- بشیر الیسر شرح ناظمه الزهر، عبدالفتاح عبدالغنی قاضی، قاهره: دارالسلام للطباعة و النشر و التوزیع و الترجمة، اول، ۱۴۲۹ق / ۲۰۰۸م.
- *تاج العروس*، محمد بن محمد زبیدی، بیروت: دارالفکر، اول، بی تا.
- *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، سید حسن مصطفوی، بیروت: دارالکتب العلمیه، سوم، بی تا.
- *تهذیب الأحکام*، محمد بن حسن طوسی، محقق: خرسان و حسن موسوی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- *حسن المدد فی فن العدد*، ابواسحاق ابراهیم بن عمر جعبری، قاهره: مکتبه اولاد الشیخ للتراث، بی تا.
- *رجال البرقی*، احمد بن محمد برقی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، اول، ۱۳۴۲ش.
- *رجال الطوسی*، محمد بن حسن طوسی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، سوم، ۱۳۷۳ش.
- *رجال النجاشی*، احمد بن علی نجاشی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، ۱۳۶۵ش.
- *شرح الکافی (الأصول والروضه)*، محمد صالح بن احمد مازندرانی، تهران: المکتبه الإسلامیه، اول، ۱۳۸۲ق.
- *الصحاح*، اسماعیل بن حماد جوهری، بیروت: دارالعلم للملایین، اول، بی تا.



- عقد الدرر في عدد آى السوردر «مجموعة مهمة في التجويد والقراءات والرسم و عدد الآى»، ابواسحاق ابراهيم بن عمر جعبرى، قاهره: مكتبه ابن تيميه، اول، ١٤٢٧ق / ٢٠٠٦م.
- فنون الأفنان فى عجائب علوم القرآن، ابو الفرج عبدالرحمن بن جوزى، بيروت: مؤسسة الكتب الثقافية، اول، ١٤٢٢ق.
- الفهرست، محمد بن حسن طوسى، نجف اشرف: المكتبة المرتضوية و مطبعتها، بى تا.
- القاموس المحيط، محمد بن يعقوب فيروز آبادى، بيروت: دار الكتب العلميه، اول، بى تا.
- الكافى، محمد بن يعقوب كلينى، مصحح: على اكبر غفارى و محمد آخوندى، تهران: دار الكتب الإسلاميه، چهارم، ١٤٠٧ق.
- الكافى، محمد بن يعقوب كلينى، تحقيق و تصحيح: قسم احياء التراث مركز بحوث دار الحديث، قم: دار الحديث، اول، ١٤٢٩ق / ١٣٨٧ش.
- كتاب العين، خليل بن احمد فراهيدى، قم: نشر هجرت، دوم، بى تا.
- لسان العرب، محمد بن مكرم بن منظور، بيروت: دار صادر، سوم، بى تا.
- مجمع البحرين، فخر الدين بن محمد طريحي، تهران: انتشارات مرتضوى، سوم، ١٣٧٥ش.
- معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، سيد ابوالقاسم موسى خويى، قم: مركز نشر الثقافة الاسلاميه، پنجم، ١٤١٣ق / ١٩٩٢م.
- معجم مقاييس اللغة، احمد بن فارس، محقق: عبدالسلام هارون، قم: مكتب الاعلام الاسلامى، اول، بى تا.
- مفردات ألفاظ القرآن، حسين بن محمد راغب اصفهانى، بيروت: دار القلم، اول، بى تا.
- مناهل العرفان فى علوم القرآن، محمد عبدالعظيم زرقانى، بيروت: دار احياء التراث العربى، بى تا.
- من لا يحضره الفقيه، محمد بن على بن بابويه، مصحح: على اكبر غفارى، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، دوم، ١٤١٣ق.
- الوافى، محمد محسن بن شاه مرتضى فيض كاشانى، اصفهان: كتابخانه امام أميرالمؤمنين على عليه السلام، اول، ١٤٠٦ق.
- «صحيحه هشام و شمار آيات قرآن»، محمد احسانى فرلنگرودى، فصلنامه علوم حديث، بهار ١٣٨٨، شماره ٥١.